



تصویر تخت روان انگلیسی در ساحل خلیج فارس

دوران حضور قوای نظامی بریتانیا در جنوب ایران (شامل مناطقی همچون فارس، کرمان، اصفهان، سیستان و بنادر کرانه شمالی خلیج فارس) که در قالب پلیس جنوب یا اس. پی. آر فعالیت می‌کردند؛ همراه با جنایات، مداخلات و تحقیرهای فراوان بود. فرماندهان ارشد پلیس جنوب بریتانیایی بودند و افسران جزو و سرپازانشان را هندی‌ها و ایرانی‌ها تشکیل می‌دادند. آنها علاوه بر استفاده از چارپایان و عموماً در راه کاروان‌رو و در برخی از جاده‌های ارباب‌رو، برای جابه‌جایی افراد فرماندهی از تخت روان نیز استفاده می‌کردند.



شاپور ریپورتر تداوم دست پنهان انگلیس

شاپور جی در کنار شاه در مراسم اصلاحات ارضی بود، که امام خمینی لایه‌های تزویر آن را بر ملا کرد. او که به شاپور ریپورتر شناخته می‌شد، چند روز پس از به نتیجه رسیدن تلاش پدرش، اردشیر جی در کودتای رضاشاه به دنیا آمد. از افراد مورد اعتماد محمدرضا پهلوی بود و پس از جنگ جهانی دوم به‌عنوان نماینده سازمان‌های اطلاعاتی بریتانیا و شبکه بدامن در ایران زندگی می‌کرد که شناخته شده‌ترین نقش آفرینی وی، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دکتر مصدق و بازگرداندن شاه پس از فرار وی بود. شاپور ریپورتر رابط محمدرضا پهلوی و بسیاری از شرکت‌های نظامی بریتانیا برای قراردادهای نظامی مانند تانک‌های چیفتن بود.



غلامحسین خان سردار محتشم، عموی تیمور بختیار بود. او در جنگ جهانی اول در جناح متمایل به انگلیس‌ها بود. از این‌روز معدود افراد خاندانش بود که در سال ۱۳۱۲ به دستور رضاشاه دستگیر شد، ولی اعدام نگردید. پسر او ابدال پس از اقامت ۱۵ ساله در انگلستان، با مدرک مهندسی برق به ایران بازگشت. ساواک در معرفی او نوشته است: «مقارن ورود قشون انگلیسی به خوزستان، آقای ابدال بختیار به خوزستان آمد و رسماً به نوکری چیچاک و مأموریت جاسوسی برای انگلیس‌ها در تمام مجامع و محافل افتخار می‌نمود، به طوری که بالای پشت‌بام قلعه خود در بلوک تحصیلی، پرچم انگلیس را برافراشته بود.» وی و برادرش مجید فرزندان سردار محتشم در دوره شاه سابقه نمایندگی در مجلس را نیز دارند.



ساختمان قدیم سازمان اطلاعاتی بریتانیا

بایگانی سیصدساله فعالیت اطلاعاتی در ایران

حسین فردوست، رئیس دفتر ویژه اطلاعات دربار، قائم‌مقام ساواک و دوست نزدیک شاه در خاطراتش می‌نویسد: «در ام‌آی-۶ من با تمام رؤسای مربوط به ایران ملاقات داشتم [...] تمام پرسنل اطلاعاتی آن به زبان فارسی تسلط کامل دارند و هیچ‌گاه پرسنل شعبه عوض نمی‌شود. همیشه حداقل دو نفر از پرسنل شعبه در صحنه (ایران) کار می‌کنند که یکی رئیس ام‌آی-۶ سفارت در تهران است و دیگری معاون او. این دو نفر باره‌سای شبکه‌ها و عوامل انگلیس در ایران و ارگان‌های دولتی (مانند دفتر ویژه، ساواک، اداره دوم و غیره) تماس داشتند و کلیه گزارشات خود را فقط به شعبه ایران در ستاد مرکزی ارسال می‌داشتند و لاغیر. در سازمان مرکزی نیز فقط پرسنل شعبه ایران و رؤسای مربوطه (تارده رئیس کل) از گزارشات مطلع می‌شدند و چنین نبود که مثلاً پرسنل میز مصر در جریان مسائل ایران قرار بگیرند. کلیه بایگانی سیصدساله فعالیت اطلاعاتی انگلیس در ایران (از میکروفیلم تا پرونده‌ها) نیز در اختیار پرسنل شعبه ایران است. پرسنل شعبه ایران پس از ۲۰ سال کار و در موارد استثنایی مانند رئیس خاورمیانه که دیدم پس از ۳۰ سال، بازنشسته می‌شوند و معمولاً مورد استقبال مجامع دانشگاهی و تحقیقی انگلیس قرار می‌گیرند. آنها پس از بازنشستگی در موارد لازم تجربیات خود را در اختیار پرسنل ایران قرار می‌دهند و همکاری می‌کنند و چنین نیست که ارتباط آنها کاملاً قطع شود. طبق همین اصل، افراد معدودی که در گذشته در وزارت خارجه یا سایر مشاغل مسئولیت‌هایی داشته و در رابطه با ایران دوستی‌ها و ارتباطات خاصی یافته‌اند نیز ممکن است با میز ایران همکاری افتخاری داشته باشند.»



ظلم در حق مردم ایران

در سال ۱۹۱۷ قطعی در ایران بیداد می‌کرد و همه روزه کودکان، زنان و سالمندان بسیاری را به کام مرگ می‌کشاند. نیروهای اشغالگر انگلیس تمامی منابع و تولیدات کشاورزی را برای گذران نیاز نظامیان در جنگ خود، خریداری کرده و احتکار می‌کردند. عجیب‌تر اینکه ارتش بریتانیا مانع از واردات مواد غذایی از بین النهرین و هند و حتی از آمریکا به ایران شد.

